



پیک ایران پیک نبرد

مجموعه اقدامات قابل اجرا توسط گروه‌های جهادی
ودانشجویی در زمان جنگ با رژیم صهیونیستی

سورة الحديد من القرآن



یک ایران یک نبرد؛
ویژه گروه‌های جهادی در شرایط جنگ

موضوع: مجموعه اقدامات قابل اجرا توسط گروه‌های جهادی و دانشجویی
در زمان جنگ با رژیم صهیونیستی
۲۰ ص.

تولید شده توسط: معاونت رشد و توانمندسازی سازمان بسیج دانشجویی.

تیر ۱۴۰۴

فهرست

- ۵..... جنگ؛ میدان جدید فعالیت گروههای دانشجویی و جهادی
- ۶..... سازماندهی جدید نیروهای داوطلب و جهادی (واحد‌های خدمت و مقاومت)
- ۹..... تقسیم بندی مناطق در زمان بحران
- ۱۱..... مراحل کلیدی بحران و اقدامات مدنظر در هریک از آنها
- ۱۱..... اقدامات پیش از وقوع بحران
- ۱۲..... اقدامات حین وقوع بحران
- ۱۳..... اقدامات پس از وقوع بحران
- ۱۵..... اقدامات در مناطق مقصد مهاجرت
- ۱۶..... ایده ها و الگوهای فعالیت در بحران
- ۱۷..... بخش اول: آگاهی‌بخشی | تا دل بیدار نشود، دست کارساز نمی‌شود
- ۱۸..... بخش دوم: آمادگی | ساختار امروز، ضامن کارایی فرداست
- ۱۹..... بخش سوم: اقدام میدانی | در لحظه بحران، مرد میدان بودن معنا می‌گیرد
- ۲۰..... بخش چهارم: بازسازی | بازگشت به زندگی با کرامت، همان ادامه جهاد است
- ۲۱..... بخش پنجم: تحرک اجتماعی | وقتی دل‌های مردم به حرکت می‌افتد، جامعه نفس تازه می‌کشد

جنگ؛ میدان جدید فعالیت گروههای دانشجویی و جهادی

در بطن هر بحران، نخستین چیزی که فرو می‌ریزد امنیت روانی و ثبات زندگی مردم است. لحظاتی که جان انسان‌ها، کرامت خانوارها و انسجام اجتماعی در معرض تهدید قرار می‌گیرد، نه تنها مسئولیت نهادهای رسمی، بلکه وظیفه وجدانی و ایمانی مردم برای امداد رسانی و خدمتی انسانی آغاز می‌شود. تلاش در جهت امداد رسانی به آسیب دیدگان و بالابردن روحیه و برگرداندن جامعه به حالت عادی، موضوعی است که ماموریت گروه‌های جهادی و مردمی در این شرایط است. همانطور که رهبر انقلاب در دومین پیام تصویری خویش به عموم مردم در روزهای نبرد با رژیم صهیونیستی به آن اشاره نمودند.

امداد و خدمت‌رسانی در زمان بحران، بیش از یک عملیات فنی یا اداری، نمایان‌گر ایمان به انسانیت و تجلی اخلاق جمعی یک جامعه است. اگر این جدی گرفته نشود، رنج‌ها عمق می‌یابد، زخم‌های روانی ماندگار می‌شود و شکاف بی‌اعتمادی میان مردم و جامعه بیشتر خواهد شد. اما اگر مردم، نیروهای جهادی و ساختارهای داوطلبانه خود را پیشاپیش برای لحظه امتحان آماده کنند، بحران به جای نقطه ضعف، فرصتی برای تقویت پیوند دل‌ها و ساختن سرمایه اجتماعی خواهد شد.

با توجه به ضرورت‌های موجود، در ادامه ضمن مرور مراحل کلیدی بحران و اقدامات لازم جهت انجام در آن، ایده‌های اجرایی متناسب با اهداف مدنظر در آن ارائه گردیده است. باید توجه نمود که ایده‌های ذکر شده تنها بخشی از فعالیت‌های قابل اجرا می‌باشد و خلاقیت و نوآوری جهادگران می‌تواند این فهرست را تکمیل و نمونه‌هایی ناب خلق نماید.



سازماندهی جدید نیروهای داوطلب و جهادی در قالب واحدهای خدمت و مقاومت

باید توجه نمود که ساختار فعالیت تابع شرایط و الزامات محیطی و اقداماتی است که لازم است انجام بشود. روزهای نبرد با دشمن خارجی و بحران های اجتماعی، نیازمند تشکیل گروههایی با تعداد محدود و شبکه شدن ایشان با یکدیگر است. لذا باتوجه به طبقه بندی نیازهای اجتماعی و امدادی موضوعات متعددی برای تشکیل واحدهای خدمت و مقاومت توصیه می گردد. واحدهای خدمت و مقاومت، متشکل از اعضای گروههای جهادی و دانشجویان و جوانانی است که برای اقدام در یک موضوع خاص هم عهد شده اند. توصیه می شود که هر واحد خدمت و مقاومت شامل ۵ عضو باشد و یک الی دو موضوع را برای فعالیت خود انتخاب نماید و در طول بحران با هماهنگی شبکه بالادست و هم عرض خود، اقدامات لازم را برنامه ریزی و اجرا کند. موضوعات پیشنهادی جهت تشکیل واحدهای خدمت و مقاومت به شرح زیر می باشد و با توجه به تغییر شرایط ممکن است موضوعات دیگری نیز به این لیست اضافه گردد.

• واحد واکنش سریع امداد و نجات

این واحد، خطشکن میدانی در نخستین دقایق بحران است؛ با تکیه بر نیروهای چابک و آموزش دیده، مأموریت دارد مجروحان را از دل خطر بیرون بکشد، آسیب دیدگان را به مناطق امن منتقل کند، و خطوط حیات را به سرعت به جریان بیندازد. جایی که نفس ها به شماره می افتد، آن ها به حرکت درمی آیند.



- واحد واکنش سریع اجتماعی

این واحد مأمور ایجاد آرامش روانی و همدلی در لحظه بحران است. با حضور سریع در محل حادثه، وظیفه دارد از طریق اقداماتی ساده اما مؤثر— مثل اهدای آب، همدردی چهره‌به‌چهره، یا شنیدن حرف‌های مردم— حس همراهی و هم‌سرنوشتی را در میدان زنده کند. هم‌زمان، این گروه با شناسایی و مقابله با شایعات و اطلاع‌رسانی صادقانه، فضای روانی جامعه را مدیریت کرده و مانع از گسترش ترس، اضطراب و سردرگمی عمومی می‌شود. حضور این واحد یعنی اعتماد، آرامش و روایت درست، درست همان‌جایی که بیشترین نیاز به آن حس می‌شود.

- واحد مشاوره و مددکاری اجتماعی

در پس بحران، زخم‌هایی هست که به چشم نمی‌آیند. این واحد در سکوت به التیام روح مجروحان می‌پردازد: مشاوره به کودکانی که ترسیده‌اند، همدلی با مادران داغدار، و توان‌بخشی روانی کسانی که دل‌شان را از دست داده‌اند، نه فقط خانه‌شان را.

- واحد سلامت و درمان

تپش نبض درمان در بحران، دست این واحد است. از راه‌اندازی درمانگاه‌های سیار گرفته تا درمان مجروحین و مراقبت از بهداشت روانی امدادگران و مردم، مأموریتش بازگرداندن تعادل جسم و جان است در هنگامه‌ی بی‌نظمی و درد.



• واحد تأسیسات و تعمیرات

در روزهای پس از بمباران یا تخریب، وقتی برق و آب نیست و آسایش از کار افتاده، این واحد با ابزار در دست، امید بازگشت به زندگی را به میان مردم می‌آورد؛ با تعمیر خطوط حیاتی، راه‌اندازی مولدها و بازگرداندن خدمات پایه، چراغ خانه‌ها را دوباره روشن می‌کند.

• واحد حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده

در دل بحران، برخی خانواده‌ها تنها می‌مانند؛ شهید داده‌اند، خانه‌شان رفته یا نان‌آورشان نیست. این واحد با سرکشی، تأمین نیازهای اولیه، پیگیری درمان و همراهی عاطفی، نمی‌گذارد کرامت‌شان زیر غبار حادثه پنهان شود.

• واحد انسجام اجتماعی و فعالیت میدانی

کاری می‌کند تا مردم فقط ناظر نباشند، بلکه شریک شوند؛ با سازماندهی داوطلبان، اجرای رویدادهای همدلی، راه‌اندازی هسته‌های مقاومت در محله‌ها و تمرکز بر اقشار مختلف مانند کودکان و زنان و...، این واحد نفس اجتماعی جامعه را در دل بحران تازه می‌دمد.

• واحد اقتصاد و معیشت مردمی

این واحد نگهبان سفره‌های مردم در تنگی بحران است؛ با تأمین غذا، دارو، سوخت و حمایت از مشاغل کوچک، نمی‌گذارد فشار معیشت، عزت خانواده‌ها را بشکنند. او اقتصاد مردمی را زنده نگه می‌دارد، وقتی بازارها در هجوم التهاب سردرگم‌اند.



- واحد مقاوم شهر (محلّه محور)

از دل هر کوچه، یک قلعه می‌سازد؛ با فعال‌سازی مسجد، خانه‌ها و چهره‌های محلّه، آموزش مهارت‌های بحران و ایجاد شبکه‌های خودیار، این واحد محلّه‌ها را از ناظر به کنشگر، و از آسیب‌پذیر به تاب‌آور تبدیل می‌کند.

تقسیم بندی مناطق در زمان بحران

در شرایط بحران، به‌ویژه در اثر بلایای طبیعی، جنگ و ناامنی‌های منطقه‌ای، پدیده‌ای به نام «جابجایی جمعیتی» به صورت گسترده بروز می‌یابد. این جابجایی‌ها، نه تنها ساختار اجتماعی یک منطقه را دگرگون می‌کنند، بلکه نیازمند تدوین سیاست‌ها و اقدامات دقیق برای پاسخ‌گویی در هر دو سوی حرکت یعنی «مناطق مبدأ» و «مناطق مقصد» هستند. درک صحیح از کارکرد، ویژگی‌ها و نیازهای هر یک از این مناطق، گامی اساسی در طراحی الگوی کارآمد امداد، پشتیبانی و بازسازی به‌شمار می‌آید.

- **مناطق مبدأ مهاجرت؛** به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که افراد به دلیل بروز بحران‌های طبیعی و اجتماعی، ناگزیر به ترک آن‌ها می‌شوند. این مناطق ممکن است با آسیب‌های زیرساختی، ناامنی، یا کمبود منابع اساسی مواجه باشند و ادامه زندگی در آن‌ها دشوار شود.

- **مناطق مقصد مهاجرت؛** به مکان‌هایی گفته می‌شود که افراد در پی وقوع بحران به آن‌ها پناه می‌برند. این مناطق معمولاً از ثبات نسبی، امکانات خدماتی و امنیت بیشتری برخوردارند و توانایی جذب جمعیت آسیب‌دیده را دارند.



موضوع	مناطق مقصد مهاجرت	مناطق مبدأ مهاجرت
تعریف	مناطقى كه جمعيت مهاجر يا آسيب ديده به آنها پناه مى برند	مناطقى كه مردم به دليل بروز بحران مجبور به ترك آنها مى شوند
وضعيت عمومى	داراى ثبات نسبي، امنيت و ظرفيت خدمات رسانى	دچار آسيب هاى فزيكى، زيرساختى، امنيتى يا معيشتى شده اند
نوع نيازها	اسكان موقت، مديريت جمعيت مهاجر، خدمات بهداشتى و روانى، كنترل تنش هاى اجتماعى	امداد رسانى فوري، تخليه اضطرارى، كنترل آسيب ها، امنيت رسانى، حفظ جان
چالش هاى اصلى	فشرده گى جمعيت، افزايش تقاضا براى خدمات، احتمال نارضايتى هاى محلى، احتمال تعارض هويتى يا فرهنگى	تخریب زیرساخت‌ها، کمبود منابع، بی‌نظمی، اضطراب، خروج سریع مردم
نوع مداخله مورد نياز	سازمان دهى اجتماعى، خدمات اجتماعى و فرهنگى، همدل سازى ميزبان و مهمان، مديريت منابع محلى	امداد اضطرارى، تثبيت وضعيت، تخليه آسيب ديده گان، بازسازى زيرساختى
اهميت راهبرى	خط مقدم همبستگى اجتماعى، ظرفيت سازى براى تبديل بحران به فرصت اجتماعى	نقطه آغاز بحران، منشأ تجربه و روايت، ناحيه نيازمند احيا و بازسازى
مسئوليت فرهنگى	روايت سازى همدلانه، آموزش ميزبان براى پذيرش مهاجر، ارائه پيام هاى مشترك فرهنگى	مراقبت از حافظه جمعى، ثبت خطرات آسيب ديده گان، جلوگيرى از فراموشى بحران
نقش گروه هاى مردمى	راه اندازى پويش هاى همدلى، شبكه داوطلبى، فعال سازى ظرفيت هاى فرهنگى، پشتيبانى روحى از مهاجران	مشاركت در عمليات امداد، شناسايى نيازها، روايت گرى محلى، حفاظت از بازمانده گان



مراحل کلیدی بحران و اقدامات مدنظر در هریک از آنها

اقدامات پیش از وقوع بحران

در این مرحله، تمرکز اصلی بر پیشگیری و آمادگی است. اقداماتی مانند شناسایی تهدیدهای احتمالی، آموزش نیروهای انسانی، تدوین سناریوهای عملیاتی، طراحی ساختارهای هماهنگ‌کننده، تقویت ارتباطات و افزایش سطح آمادگی اجتماعی انجام می‌گیرد. هدف این مرحله آن است که با برنامه‌ریزی پیش‌دستانه، یا از بروز بحران جلوگیری شود یا شدت و گستره آن به حداقل برسد.

۱. **افزایش آگاهی عمومی؛** با استفاده از ابزارهایی همچون فضا سازی شهری،

طراحی پیام‌های تأثیرگذار، و انتشار محتوای ملی، مذهبی و فرهنگی، زمینه‌ی ارتقاء شناخت عمومی نسبت به بحران‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نقش مردم فراهم می‌شود.

۲. **برگزاری آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های مرتبط با بحران؛** ارائه‌ی

آموزش‌های مهارتی و فرهنگی در حوزه‌هایی مانند امداد و نجات، کار تیمی، ورزش‌های همبستگی‌محور، فعالیت‌های اجتماعی، خدمات عمومی و توانمندی‌های ارتباطی، به آماده‌سازی ذهنی و عملی فعالان اجتماعی کمک می‌کند.

۳. **آموزش و توانمندسازی دانشجویان برای نقش‌آفرینی؛** شناسایی

مسئولیت‌ها و نقش‌های ممکن در زمان بحران و تجهیز جهادگران به دانش، مهارت و روحیه‌ی لازم، موجب افزایش اثربخشی آنان در ساختارهای عملیاتی و میدانی می‌شود.

۴. **برگزاری رویدادهای میدانی جهت تقویت انسجام اجتماعی؛** ایجاد

فضاهای جمعی از طریق برگزاری اردوها، تمرین‌های مشترک، جشنواره‌های محلی یا رزمایش‌های مردمی، زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتماد، همدلی و آمادگی جمعی در مواجهه با بحران است.



۵. **شناسایی ظرفیت‌ها، تأمین تجهیزات و هماهنگی با نهادهای اجرایی؛** ارزیابی دقیق منابع انسانی، لجستیکی و فنی موجود و تهیه ملزومات مورد نیاز، به همراه هماهنگی و تعامل مستمر با دستگاه‌های اجرایی، نقش کلیدی در واکنش سریع و اثربخش در زمان بحران ایفا می‌کند.
۶. **مستندسازی تجارب و تولید روایت خدمت؛** ثبت فعالیت‌ها، تولید محتواهای تصویری، صوتی و مکتوب و بازنشر آن‌ها با هدف الهام‌بخشی، ایجاد روحیه خدمت و تقویت حافظه جمعی از اهمیت بالایی برخوردار است.
۷. **ساماندهی شبکه‌های مردمی با تقسیم‌بندی منطقه‌ای؛** ایجاد شبکه‌ی منسجم از نیروهای جهادی در قالب تقسیم‌بندی مکانی (محل‌های، ناحیه‌ای یا شهری) به تقویت سرعت و دقت پاسخگویی در شرایط بحرانی کمک شایانی می‌کند.

اقدامات حین وقوع بحران

این مرحله زمانی آغاز می‌شود که بحران بالفعل شده و نیاز به پاسخ‌گویی فوری وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی این مرحله سرعت، دقت و هماهنگی در واکنش‌هاست. تصمیم‌گیری در شرایط ناپایدار، اطلاع‌رسانی شفاف، بسیج منابع و تأمین نیازهای اولیه افراد آسیب‌دیده مانند امداد، درمان، سرپناه، امنیت و تغذیه از جمله اقداماتی است که باید به‌صورت سازمان‌یافته اجرا شود.

۱. **شناسایی و برآورد وضعیت بحران؛** ارزیابی سریع و دقیق از ماهیت، شدت و گستره بحران با استفاده از داده‌های میدانی، مشاهدات مستقیم و گزارش‌های مردمی. بر اساس این برآورد، نوع مداخله متناسب با توان و ظرفیت جهادگران و شبکه‌های محلی تعیین می‌شود.
۲. **مستندسازی عملیات و روایت‌سازی خدمت؛** تعیین تیم روایتگر برای ثبت لحظات کلیدی، روحیه‌ی جمعی، جلوه‌های همدلی و خدمت‌رسانی، با هدف انتقال تجربه، الهام‌بخشی و تقویت اعتماد عمومی.



۳. **ارزیابی میدانی عملکرد شبکه تشکلی؛** پایش مستمر کیفیت عملکرد گروه‌ها، میزان تحقق اهداف، کارآمدی ساختار تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری در میدان. این ارزیابی می‌تواند به صورت روزانه و در قالب جلسات حلقه بازخورد اجرا شود.
۴. **جذب و به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی؛** ارتباط‌گیری فعال با ساکنین، شناسایی افراد داوطلب، فعال‌سازی ظرفیت‌های محلی مانند مساجد، حسینیه‌ها و گروه‌های اجتماعی برای مشارکت در پشتیبانی و خدمات‌رسانی.
۵. **تأمین نیازهای اضطراری و خدمات اولیه؛** سازمان‌دهی خدماتی همچون تغذیه، اسکان موقت، بهداشت محیط، پشتیبانی روانی و توجه ویژه به گروه‌های حساس (کودکان، سالمندان، زنان سرپرست خانوار).

اقدامات پس از وقوع بحران

پس از مهار بحران، جامعه وارد مرحله‌ی بازسازی و بازاندیشی می‌شود. در این بازه، بازسازی زیرساخت‌ها، ارائه حمایت‌های روانی-اجتماعی، مستندسازی آموخته‌ها و اصلاح برنامه‌های آینده در دستور کار قرار می‌گیرد. این مرحله نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری جامعه دارد و بستر یادگیری جمعی و اصلاح سازوکارها را فراهم می‌کند.

- ۱- **تهیه گزارش میدانی و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع؛** جمع‌آوری داده‌ها از عملکرد گروه‌های کنشگر، نقاط قوت و ضعف، تعاملات با نهادها و نیازهای مشاهده‌شده در میدان. این گزارش‌ها باید ساختاریافته، طبقه‌بندی‌شده و قابل استفاده برای برنامه‌ریزی‌های آتی باشند. همچنین ایجاد بانک اطلاعاتی از افراد آسیب‌دیده، داوطلبان، خیرین و تجهیزات مورد استفاده ضروری است.
- ۲- **تأمین نیازهای جامعه آسیب‌دیده بر اساس اولویت و ظرفیت موجود؛** تشخیص و پاسخ‌گویی به نیازهای اولیه مانند اسکان موقت، تغذیه، مراقبت‌های بهداشتی و روانی، تأمین امنیت اجتماعی، و بازسازی روابط جمعی. مشارکت



مردم و نهادهای محلی در این مرحله می‌تواند نقش مؤثری در ترمیم اعتماد و بازتوانی اجتماعی ایفا کند.

۳- **بازگرداندن تدریجی جامعه به شرایط عادی؛** طراحی مسیرهایی برای بازسازی زندگی روزمره مردم شامل بازگشایی مدارس، بازسازی واحدهای مسکونی و بازگشت مشاغل. اجرای فعالیتهای فرهنگی و جمعی نیز در ایجاد حس آرامش و پایان بحران مؤثر است.

۴- **هویت‌بخشی فردی، اجتماعی و منطقه‌ای؛** اقداماتی مانند عیادت از مجروحین، دیدار با خانواده‌های داغدار، اجرای برنامه‌های قدردانی از کنشگران و نیروهای مردمی، نام‌گذاری مکان‌ها یا رویدادها با یاد نمادهای مقاومت و خدمت، همه در بازسازی معنوی جامعه سهم دارند.

۵- **مستندسازی روایت‌های خدمت؛** تهیه محتوای چندرسانه‌ای از تجربه‌های انسانی، ابتکارات جهادی، جلوه‌های ایثار و همدلی برای حفظ حافظه جمعی، تقویت فرهنگ خدمت و الهام‌بخشی به نسل آینده. این مستندات می‌تواند در قالب گزارش، مستند تصویری، پادکست یا نمایشگاه مورد استفاده قرار گیرد.

۶- **ارزیابی و تحلیل عملکرد کلی عملیات؛** برگزاری جلسات بازخورد با حضور کنشگران، آسیب‌دیدگان و نهادهای همراه برای بررسی دستاوردها، چالش‌ها و فرصتی برای اصلاح رویه‌ها. همچنین شناسایی الگوهای موفق برای مستندسازی تجربیات برتر و تدوین پروتکل‌های آینده‌نگر.

۷- **توانمندسازی جامعه محلی برای تاب‌آوری آینده؛** تشکیل گروه‌های مردمی آمادگی، آموزش خانواده‌ها برای مقابله با بحران‌های احتمالی و تسهیل دسترسی به منابع توان‌بخشی اجتماعی و اقتصادی.



اقدامات در مناطق مقصد مهاجرت

۱- ارتقاء روحیه میهمان‌نوازی و تکریم مهاجرین از سوی جامعه میزبان؛ برگزاری نشست‌های همدلانه، بهره‌گیری از ظرفیت مساجد، هیئات، بزرگان محلی و ایجاد کمپین‌های فرهنگی برای ترویج رفتارهای پذیرنده و محترمانه نسبت به مهاجران و استفاده از واژگان مثبت مانند «میهمان» و پرهیز از نگاه بالا به پایین در روایت‌ها.

۲- تقویت روحیه امید به آینده و انسجام اجتماعی در میان مهاجرین؛ تشکیل محافل فرهنگی، کارگاه‌های مهارت‌افزا، برنامه‌های هنری و دینی برای ایجاد پیوند عاطفی، کاهش حس طردشدگی و تقویت احساس تعلق اجتماعی میان افراد تازه‌وارد.

۳- ایجاد و تقویت زیرساخت‌های اضطراری و خدمات اجتماعی چندبُعدی؛ استفاده از ظرفیت فضاهای عمومی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) برای اسکان، آشنایی جمعی، کلاس‌های آموزشی و تأمین خدمات فرهنگی و رفاهی. ایجاد برنامه‌های منظم بهداشت محیط، امنیت محله، و پاسخ‌گویی حقوقی.

۴- افزایش بهره‌وری در شبکه‌های تولید و توزیع اقلام ضروری؛ ایجاد کارگروه‌های جهادی برای سامان‌دهی تولید محلی، توزیع عادلانه کمک‌ها و نظارت بر مصرف منابع، با هدف کاهش فشار تورمی و حفظ کرامت خانواده‌ها. ترویج رویکردهایی چون خرید مشترک، انبار محله‌ای و تأمین اقلام به‌صورت هدفمند.

۵- به‌کارگیری ظرفیت‌ها برای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت؛ ارائه مشاوره‌های روانی- اجتماعی، تربیتی و خانوادگی با کمک فعالان فرهنگی و مذهبی. ایجاد محیط‌های امن برای کودکان و نوجوانان، برنامه‌های تقویت مهارت‌های ارتباطی، و نظارت بر رفتارهای پرخطر از طریق تیم‌های اجتماعی محلی.



۶- مستندسازی اقدامات و روایت‌سازی از خدمت‌رسانی و همزیستی؛ ثبت تصویرهای انسانی از همدلی میزبان و مهاجر، روایت تجربه‌های مثبت، آشنایی مردم با واقعیت‌های مهاجرت و الهام‌بخشی برای سایر مناطق. استفاده از قالب‌های گوناگون همچون فیلم مستند، گزارش، پادکست و نمایشگاه‌های خیابانی.

۷- تسهیل دسترسی مهاجرین به فرصت‌های شغلی و آموزشی برنامه‌ریزی برای آموزش‌های کوتاه‌مدت مهارتی، معرفی ظرفیت‌های کسب‌وکار محلی، و ایجاد مسیرهایی برای مشارکت مهاجرین در کارهای داوطلبانه جهت تقویت عزت‌نفس و خودتکایی.

ایده‌ها و الگوهای فعالیت در بحران

در روزگاری که بحران‌ها دیگر تنها در زمین‌لرزه و جنگ خلاصه نمی‌شوند، بلکه دل‌ها، افکار و هویت‌ها نیز در معرض تزلزل و هجمه‌اند، کنش اجتماعی نیازمند الگویی جامع، هوشمند و الهام‌گرفته از ایمان و خرد جمعی است. مطالب پیش رو، حاصل تلاش برای سازماندهی ایده‌ها، ابتکارات و اقدامات فرهنگی، خدماتی و میدانی در قالب پنج بخش شامل آگاهی‌بخشی، آمادگی، اقدام میدانی، بازسازی، و تحرک اجتماعی می‌باشد. هر بخش، قسمتی از یک پیکر واحد است که مأموریت آن، برخاستن هنگام خطر، ایستادن با مردم و ساختن جامعه‌ای مقاوم و امیدوار است. در ادامه تعدادی از ایده‌های فعالیت تشکل‌های دانشجویی و جهادی ارائه گردیده است.



بخش اول: آگاهی بخشی | تا دل بیدار نشود، دست کارساز نمی شود

آگاهی بخشی زیربنای همه اقدامات اجتماعی است. بدون بینش، مردم به راحتی در دام شایعات، جنگ روایت‌ها و فضای روانی دشمن گرفتار می‌شوند. این بخش به تبیین حقیقت، روشنگری درباره نقش مردم و شکل‌گیری درک جمعی از "چرا و چگونه کنشگری" کمک می‌کند. اگر این بخش جدی گرفته نشود، جامعه منفعل، دچار انشقاق ذهنی و آسیب‌پذیر در برابر عملیات روانی خواهد بود؛ مردمی که نمی‌دانند چه کسی دشمن است، چرا باید خدمت کرد، و برای چه باید ایستاد، نمی‌توانند تصمیم درستی در بحران بگیرند.

۱. انتشار نشریات و بروشورهای تبیینی و پاسخ‌گو به شبهات (جزوه سایه روشن ۱ و ۲ برای پاسخ دهی به برخی از شبهات طراحی و ارائه گردیده است).
۲. تولید محتوا و آموزش عمومی مهارت‌های مقابله با بحران (هلال احمر، آتش نشانی و علوم پزشکی در هر استان آمادگی همکاری برای آموزش را دارند).
۳. آموزش تیم‌های تخصصی در حوزه‌های بهداشت، عمرانی، فرهنگی و روانی
۴. راه‌اندازی کارگروه کودک و نوجوان با تولید محتواهای مقاومتی و ارزشی
۵. تشکیل حلقه‌های اخلاقی برای بازیابی انگیزه و نیت خالصانه در خدمت
۶. برگزاری نمایشگاه‌های مفهومی چون یهودشناسی و امید قرآنی
۷. ارسال پیامک‌های قشری در راستای اهداف فرهنگی و همراه نمودن مردم
۸. تهیه بسته‌های محتوایی برای مربیان مدارس و فعالان فرهنگی مناطق بحران‌زده (جزوه داستان مهربان، نحوه ارتباط با کودک آسیب دیده در جنگ را اشاره می‌کند).
۹. ارتباط با عموم مردم و مخاطبین گروه‌های جهادی در مناطق هدف و افزایش آگاهی ایشان (جزوه همدلانه، نحوه گفتگوی موثر با مردم را شرح می‌دهد).



بخش دوم: آمادگی | ساختار امروز، ضامن کارایی فرداست

اقدامات فرهنگی و امدادی موفق، نیازمند آمادگی قبلی و ساختاردهی دقیق است. آمادگی یعنی اینکه نیروها، ظرفیت‌ها و سناریوهای عملیاتی پیش از بحران شناسایی و آماده باشند تا هنگام رخداد، جامعه دچار آشفتگی و موازی کاری نشود. سازماندهی نه تنها باعث تسریع در پاسخ‌گویی می‌شود، بلکه از هدررفت منابع و فرسودگی نیروها جلوگیری می‌کند. اگر این بخش نادیده گرفته شود، نیروهای مردمی هرچند با نیت خوب، بدون اثرگذاری و گاه با تداخل در عملیات رسمی عمل خواهند کرد و ممکن است خود بخشی از بحران شوند.

۱. تشکیل تیم‌های واکنش سریع در موضوعات امداد و نجات، روانشناسی، اقدامات ترویجی و...
۲. برگزاری دوره های فشرده برای اعضای تیم های واکنش سریع (هلال احمر، آتش نشانی و علوم پزشکی در هر استان آمادگی همکاری برای آموزش را دارند).
۳. آماده‌سازی تجهیزات امدادی، فرهنگی و رسانه‌ای
۴. تشکیل پایگاه‌های محله‌ای با تقسیم‌بندی وظایف و مسئولیت‌ها (جزوه مقاوم شهر، نحوه فعال کردن محله ها را به عنوان هسته مقاومت را تشریح نموده است).
۵. طراحی رزمایش‌ها، مانورهای آمادگی و تمرین‌های مشترک
۶. طبقه‌بندی و آماده سازی ظرفیت های موجود برای پشتیبانی از مهاجران و آسیب‌دیدگان در موضوعات مختلف مانند اسکان، تغذیه و رفاه عمومی (جزوه مرهم به خدماتی که مردم آسیب دیده نیاز دارند اشاره کرده است).
۷. مشارکت در سامانه‌های تخصصی مشاوره (مانند ۴۰۳۰)
۸. تعیین مکان‌های کلیدی برای فعالیت‌های میدانی مانند سنگر همدلی (جزوه سنگر همدلی، به ابعاد و چگونگی اجرای سنگر همدلی اشاره نموده است)
۹. طراحی و برگزاری دوره آموزشی فشرده برای مسئولان محله‌ها



۱۰. تشکیل هسته های مقاومت در محله های شهری (جزوه مقاوم شهر، نحوه فعال کردن محله هارا به عنوان هسته مقاومت اشاره کرده است).

بخش سوم: اقدام میدانی | در لحظه بحران، مرد میدان بودن معنا می گیرد

اقدام در لحظه بحران، تجلی نهایی انسجام اجتماعی و همبستگی عملی مردم با یکدیگر است. این بخش نیازمند حضور مستقیم، خدمت بی منت، و آرام سازی میدانی آسیب دیدگان است، در قالب امداد جسمی، روانی و فرهنگی. اقدام میدانی پل بین نیت و اثر است. اگر جامعه ای در لحظه نیاز کنار مردم خود نباشد، بی اعتمادی، یأس، و تنهایی اجتماعی شکل می گیرد؛ شکافی که با هیچ محتوا و گفتار پر نخواهد شد.

۱. امداد رسانی میدانی در حوزه های مختلف خدماتی، پزشکی، روانی، فرهنگی (جزوه نبرد با ویرانی، نحوه آواربرداری و نکات آن را به طور خلاصه شرح داده است).

۲. راه اندازی ایستگاه های مردمی مانند موبک، غرفه کودک، ایستگاه صلواتی (بسته ایده بخش یک ایران یک نبرد، ایده های قابل اجرا در رویدادهای میدانی را جمع آوری و ارائه نموده است).

۳. خدمت رسانی مستقیم به خانواده های شهدا، مجروحین، مهاجرین و اقشار آسیب پذیر (سالنندان، زنان باردار، افراد دارای بیماری زمینه ای)

۴. اعلام آمادگی و پشتیبانی از کادر درمان، نیروهای امدادی و دستگاه های خدمات رسان

۵. جمع آوری کمک های نقدی و کالایی برای پایداری و حمایت از عملیات های میدانی

۶. ایجاد سامانه های مشاوره، آرام سازی و تقویت روحیه در مناطق بحران زده

۷. برگزاری جلسات قرآنی برای آرامش بخشی به مردم آسیب دیده

۸. اعزام تیم های چندمنظوره (روانی، خدماتی، روایتگر) به مناطق خط مقدم بحران

۹. آماده سازی اسکان و تغذیه و زیرساخت جهت استفاده آسیب دیدگان



۱۰. راه اندازی سنگر همدلی در مناطق پرتردد و محله‌های هدف در سطح شهر

بخش چهارم: بازسازی | بازگشت به زندگی با کرامت، همان ادامه جهاد است

پس از عبور از بحران، تازه مأموریتی عمیق‌تر آغاز می‌شود: احیای امید، کرامت و بازآفرینی روابط اجتماعی. این بخش کمک می‌کند خاطره جمعی از بحران، به جای آسیب، به نقطه الهام و تقویت هویت بدل شود. تکریم شهدا، ثبت روایت خدمت، بازسازی جسمی و حمایت از کودکان و خانواده‌های بازمانده، جامعه را به پایداری می‌رساند. اگر بازسازی رها شود، بحران در چهره‌ای خاموش به زندگی مردم بازمی‌گردد؛ با افسردگی، فرسایش روانی، و فروپاشی اعتماد اجتماعی.

۱. دیدار، خدمت‌رسانی و قدردانی از خانواده‌های شهدا و جانبازان
۲. روایت‌سازی هنری و رسانه‌ای از ایثار، همدلی و تجربه‌های میدان
۳. نصب نمادهای مقاومتی: حجله شهدا، پرچم، تابلو، و تغییر نام معابر
۴. نصب علائم گرامی‌داشت شهدا در محل شهادت یا خدمت‌رسانی
۵. فضاسازی حماسی شهر و خصوصا نقاط آسیب دیده شهر با استفاده از پرچم ایران و شعارهای حماسی
۶. انتشار اطلاعات شهدای دانشجو و طراحی محتوا بر اساس آن
۷. ارتقای آموزشی و فرهنگی کودکان بازمانده از تحصیل
۸. ایجاد همبستگی اجتماعی از طریق گفت‌وگوهای محلی و مشاوره‌های جمعی
۹. کمک به بازتوانی اقتصادی و روانی خانواده‌های آسیب‌دیده
۱۰. حمایت از بازسازی زیرساخت‌های شهری
۱۱. آموزش حرفه‌ای آسیب‌دیدگان اقتصادی برای کاهش تبعات اجتماعی
۱۲. راه‌اندازی «کاروان روایت میدان» جهت مستندسازی تجربیات



بخش پنجم: تحرک اجتماعی | وقتی دل‌های مردم به حرکت می‌افتد، جامعه نفس تازه می‌کشد

این بخش قلب تپنده احساس و الهام مردم است؛ جایی که آگاهی و عمل، با انگیزه، روایت و نمادها زنده می‌شود. پوشش‌ها، سرودها، شعارهای مردمی، نمادسازی شهری و روایتگری خیابانی، شور جمعی را حفظ می‌کند و گفتمان ایستادگی را به حافظه عمومی می‌سپارد. اگر این فضا شکل نگیرد، دیگر ارکان نیز با گذشت زمان رنگ می‌بازند، مردم دچار بی‌تفاوتی می‌شوند، و خدمت صادقانه دیده نمی‌شود، در حالی که بسیاری از بحران‌ها فقط با امید و هم‌صدایی مردم کنترل می‌شوند، نه فقط امداد.

۱. راه‌اندازی نمایش خیابانی، سرود جمعی، ورزش همگانی با شعار مقاومت
۲. برپایی غرفه‌های فرهنگی و جشنواره‌های موضوعی با محوریت نبرد با استکبار
۳. طراحی و اجرای پوشش‌های رسانه‌ای: کارت پستال شهدا، دیوار بیعت، هشتگ‌سازی
۴. نشر پیامک‌های هدفمند، رزق قرآنی، پوسترهای مردمی و ارسال هدایای فرهنگی
۵. پشت‌نویسی خودروها، پخش رزق قرآنی، پرچم‌های مقاومتی
۶. رونمایی از نمادهای محلی مقاومت در محله‌ها و نقاط شهر
۷. راه‌اندازی تئاترهای میدانی، موبک‌های مردمی و فعالیت‌های محله‌محور
۸. برگزاری پوشش‌های ویژه اقصا مثل «پهلوان شریف» برای ورزشکاران با موضوع اعلام انزجار از رژیم صهیونیستی و حمایت از مقاومت
۹. برگزاری جشنواره‌های ورزشی (خیابانی، قهرمانی، الکترونیک)
۱۰. راه‌اندازی پوشش‌های صنفی با موضوع ایستادگی و جاری بودن زندگی

جزوات اشاره شده در متن، در کانال توانا tavana_school@ در پیام‌رسان
بله و ایتا بارگذاری شده است





پیرایہ پختہ

در بطن هر جنگ، نخستین چیزی که فرو می‌ریزد امنیت روانی و ثبات زندگی مردم است. اگر مردم، نیروهای جهادی و ساختارهای داوطلبانه خود را پیشاپیش برای این لحظه آماده کنند، جنگ به جای نقطه ضعف، فرصتی برای تقویت پیوند دل‌ها و ساختن سرمایه اجتماعی خواهد شد. با توجه به ضرورت‌های موجود، در ادامه اقدامات لازم جهت انجام در جنگ و ایده‌های اجرایی متناسب با آن ارائه گردیده است.



مدرسه خدمت و پیشرفت

www.tavana.school